

بهترین فیلم‌های علمی-تخیلی تاریخ سینما

موجودات فضایی، فضانوردان، سفر در زمان و هر چیز علمی تخیلی که به آن فکر کنید در قالب دستکم یک فیلم به نمایش درآمده است.



موجودات فضایی، فضانوردان، سفر در زمان و هر چیز علمی تخیلی که به آن فکر کنید در قالب دستکم یک فیلم به نمایش درآمده است. بدین ترتیب تهیه فهرستی از بهترین فیلم‌های علمی تخیلی تاریخ سینما دشوار می‌شود. برای درک این که ژانر علمی تخیلی از کجا آمده باید به عصر ظهور سینما بازگردید.

به گزارش پایگاه خبری تیک (Tik.ir)؛ درست در همان ابتدای صنعت سینما، فیلم «متروپولیس» (Metropolis) که در سال ۱۹۲۷ اکران شد، از جلوه‌های بصری خارق‌العاده‌ای برای خلق نقطه ارجاعی برای تمامی داستان‌های مربوط به یک دنیای پادآرمانشهری استفاده کرد و تاثیر آن را می‌توان در فیلم «بلید رانر» (Blade Runner) دید. سپس نوبت به فیلم «نبرد دنیاها» (War of the Worlds) در سال ۱۹۵۳ رسید، سپس «دکتر استرنجلاو» (Dr. Strangelove) در سال ۱۹۶۴ و البته شاهکاری دیگر از استنلی کوبریک بزرگ با عنوان «۲۰۰۱: یک اودیسه فضایی» (۲۰۰۱: A Space Odyssey) در سال ۱۹۶۸ که می‌توان آن را تاثیرگذارترین فیلم علمی تخیلی تمام دوران نامید.

در ادامه این مطلب می‌خواهیم شما را با بهترین فیلم‌های علمی تخیلی از دهه ۱۹۷۰ تاکنون آشنا کنیم و اولین مورد را نیز با شاهکاری دیگر از کوبریک آغاز می‌کنیم.

۱. پرتقال کوکی (۱۹۷۱)

فیلم «پرتقال کوکی» (Clockwork Orange) ساخته استنلی کوبریک که بر اساس رمانی به همین نام ساخته شده یک کلاسیک در ژانر پادآرمانشهری است. الکس با بازی مالکوم مک‌داول یک نوجوان هرزه با علاقه‌ای شدید به موسیقی کلاسیک و خشونت است. با افزایش جنایات و خشونت‌هایش، الکس به زندان فرستاده می‌شود، بدین امید که عطش او برای خشونت و رابطه جنسی با یک روش درمانی جدید درمان شود. این فیلم با لنزهای زاویه بسیار باز گرفته شده تا کیفیت رویایی و فانتزی که از فیلم بیرون می‌جهد را ثبت نماید و بدین ترتیب این فیلم از کوبریک به یکی از بحث‌برانگیزترین فیلم‌های عصر خود تبدیل شد.

۲. سولاریس (۱۹۷۲)

«سولاریس» (Solaris) داستان یک روانشناس را روایت می‌کند که به پایگاه فضایی در مدار زمین فرستاده می‌شود تا سعی کند علت رفتارهای نامتعارف دانشمندان مقیم این مرکز را کشف نماید. وقتی او به پایگاه می‌رسد برای دنیای تکان‌دهنده‌ای که آنجا می‌بیند آماده نیست و آن شخصیت‌هایی که او انتظارشان را داشت حضور ندارند. آندری تارکوفسکی، نویسنده و کارگردان فیلم، با این فیلم قصد دارد احساس عاطفی و عمق ژانر علمی تخیلی را به بیننده نشان دهد، چیزی که الهام‌بخش فیلم‌های علمی تخیلی خوش‌ساخت و موفق اخیرمانند «ورود» (Arrival) و «جاذبه» (Gravity) می‌شود. بازسازی این فیلم در سال ۲۰۰۲ با بازی جورج کلونی نتوانست موفقیت فیلم تارکوفسکی را تکرار نماید.

۳. وست ورلد (۱۹۷۳)

«وست ورلد» (Westworld) بسیار متفاوت از سریال تلویزیونی اخیر با همین نام با بازی آنتونی هاپکینز بود. با این وجود داستان هر دو تا حدود زیادی یکی است: وست ورلد یک پارک سرگرمی متعلق به آینده است که گروهی از موجودات شبه انسان در آن زندگی می‌کنند که کاربرد اصلی آن‌ها به حقیقت تبدیل کردن خواست‌های گاه دیوانه‌کننده مهمانان ثروتمند پارک است. با این وجود ترس و وحشت در نسخه سینمایی بسیار بیشتر از نسخه سریالی است به خصوص برای عصری که چنین داستانی بسیار خلاقانه و ترسناک بود.

۴. ارتباط نزدیک از نوع سوم (۱۹۷۷)

فیلم «ارتباط نزدیک از نوع سوم» (Close Encounters of the Third Kind) متفاوت تر و خشن تر از فیلم های قبلی استیون اسپلبرگ است، اما نمی توان آن را تنها فیلمی در مورد موجودات فضایی و کودکان دانست که نگاه به آسمان دارند. فیلم روابط انسان ها با این موجودات و حیرت این موجودات از دنیای زمینی را به تصویر می کشد. جلوه های ویژه آن برای فیلمی که در سال ۱۹۷۷ منتشر شده خارق العاده است و نت های موسیقی که برای ارتباط برقرار کردن با سفینه های فضایی مورد استفاده قرار می گیرد حاصل ذهن خلاق نابغه ای به نام جان ویلیامز است.

۵. استاکر (۱۹۷۹)

فیلم «استاکر» (Stalker) دیگر ساخته آندری تارکوفسکی یکی از شاهکار های هنری دوران اتحاد جماهیر شوروی است که تماشای آن بسیار لذت بخش است هر چند در بخش علمی. فلسفی ژانر علمی تخیلی قرار می گیرد. این فیلم داستان سه مرد را روایت می کند. یک نویسنده، یک دانشمند و یک راهنما. که به منطقه ای ناشناخته، بی آب و علف و خطرناک می روند که هر کسی وارد آن شود را گیج و سردرگم می کند. به مدت نزدیک به ۳ ساعت و اکثراً به زبان روسی، «استاکر» با آن لانگ شات های تارکوفسکی فراتر از سرگرم کننده و بهتر بگوییم، میخکوب کننده است. تاثیر این شاهکار را می توان در سریال های «وست وولد» و بیشتر در فیلم «نابودی» (Annihilation) ساخته الکس گارلند دید.

۶. بیگانه (۱۹۷۹)

فیلم «بیگانه» (Alien) ساخته ریڈلی اسکات داستان اعضای یک کشتی فضایی تجاری را روایت می کند که با یک موجود مرگبار که بدنبال خود ردی از مرگ و نابودی به جای می گذارد روبرو می شوند. فضای تنگ و تاریک فیلم از داستان های کلاسیک علمی تخیلی الهام گرفته و یکی از تکنیک های خارق العاده آن را می توان نشان ندادن وحشت کامل موجود موسوم به «بیگانه» دانست که سبکی خارق العاده و بسیار ترسناک برای ساخت تعلیقی است که از زمان به بعد به طور مرتب کپی برداری شده و مورد استفاده قرار می گیرد.

۷. بلید رانر (۱۹۸۲)

داستان فیلم «بلید رانر» در سال ۲۰۱۹ در شهر لس آنجلس رخ می دهد، جایی که رایان دکارد یکی از بلید رانر های مشهور است. بلید رانر به کسی گفته می شود که نسخه های شبه انسانی ساخته شده با مهندسی زیستی را تعقیب کرده و به قتل می رساند. او برای پیدا کردن چهار شبه انسانی که به طور غیرقانونی روی زمین زندگی می کنند فرستاده شده و همچنین نظارت بر تستی که قرار است انسان ها را از شبه انسان ها تشخیص دهد. فیلم اورجینال «بلید رانر» از نقاشی های کلاسیک ادوارد هوپر و فضای آسمان شهر هنگ کنگ برای خلق ظاهر نمادین و تکنولوژیک فضا های شهری که تاریکی فیلم نوآوری خاصی دارد استفاده می کند.

۸. موجود (۱۹۸۲)

قاره قطب جنوب. جان کارپنتر. کرت راسل. فیلم «موجود» (The Thing) یکی از آن دسته فیلم های علمی تخیلی ترسناک کلاسیک است که هنگام انتشار مورد بی مهری منتقدان قرار گرفت، اما با تماشای چند باره و گذشت زمان زیبایی های خود را نشان داد. با فرو رفتن بیشتر و بیشتر دانشمندانی که در یک مرکز تحقیقاتی در قطب جنوب گرفتار شده اند در ترس و پارانویا، تنش و تعلیق در داستان افزایش می یابد و مواجهه با یک موجود بیگانه تاریخی و با قدرت تغییر چهره و فرو رفتن در قالب انسان ها، شرایط برای این افراد به چیزی فراتر از یک کابوس تبدیل می شود.

۹. ۱۲ میمون (۱۹۹۵)

فیلم «۱۲ میمون» (Monkeys ۱۲) به کارگردانی تری گیلیام در دوران اوج کاری اش و با بازی بروس ویلیس و برد پیت، یک فیلم سفر در زمانی نئو. نوآوری خارق العاده است که در آن یک ویروس مرگبار اغلب انسان ها را به کام مرگ فرستاده است. بازماندگان این فاجعه در سال ۲۰۳۵ در زیر زمین زندگی می کنند، جایی که گروهی از دانشمندان درمانده یک جنایتکار با بازی ویلیس را به گذشته باز می گردانند تا از شیوع ویروس جلوگیری کند، ویروسی که گمان می رود توسط گروهی موسوم به ۱۲ میمون ساخته و منتشر شده است. وقتی که او به زمانی نادرست فرستاده می شود خیلی زود دستگیر شده و به یک بیمارستان روانی فرستاده می شود، جایی که در آن با یک بیمار روانی با بازی پیت آشنا می شود و آنجا سعی می کند یکی از پزشکان را متقاعد کند که راست می گوید. اتفاقاتی که پس از این ماجرا می افتد

شبکه ای بی نقص از اتفاقات پارادوکسی است که گاهی اوقات عقلانی نیست، اما شما را شیفته خود می سازند.

۱۰. ماتریکس (۱۹۹۹)

واچوفسکی ها با ساخت فیلم «ماتریکس» (The Matrix) دنیای فیلم های علمی تخیلی را تغییر دادند. فیلم آن ها یک آینده پادآرمانشهری را به تصویر می کشد که در آن تمام انسان ها در داخل یک واقعیت شبیه سازی شده گرفتار شده اند و به عنوان یک منبع انرژی توسط مخلوقاتی که با هوش مصنوعی ساخته شده اند مورد استفاده قرار می گیرند. یک هکر به نام نئو از دروغین بودن دنیایی که انسان ها در آن هستند مطلع می شود و خیلی زود شروع به جستجو برای کشف واقعیت می کند. این فیلم سوالاتی را در مورد فلسفه وجودی و پوچ گرایی در مخاطبان ایجاد کرده و آن را با سکانس هایی اکشن، هنر های رزمی و انیمه های ژاپنی ترکیب نموده تا یک فیلم سایبر پانک ماندگار در ژانر علمی تخیلی تولید کند که در فرهنگ معاصر همواره به آن ارجاع داده می شود.

۱۱. پرایمر (۲۰۰۴)

فیلم «پرایمر» (Primer) به کارگردانی شین کاروت، فیلمی با بودجه بسیار کم و بدور از جلوه های ویژه پرخرج، اما با تنش بالا در مورد دو مهندس به نام های آرون و ایب ساخت که به طور تصادفی راز سفر در زمان را در گاراژ خانه خود کشف می کنند. وقتی که فیلم «پرایمر» منتشر شد، به خاطر اورجینال بودن مورد توجه قرار گرفت. این فیلم موضوعات پیچیده ایمانند فیزیک کوانتوم را مورد بررسی قرار گرفته و آن ها را برای فهم بیننده ساده نمی سازد، به جای آن از واژه ها و عبارات واقعی علمی برای استفاده محققان دنیای واقعی استفاده می کند. بخش اعظم فیلم در گاراژ ها و پارکینگ ها فیلم برداری شده و به غیر از دو نقش اصلی داستان، دیگر شخصیت های فیلم توسط دوستان یا اعضای خانواده تیم تولید به تصویر کشیده شده اند.

۱۲. سان شاین (۲۰۰۷)

با الهام از ایده مرگ گرمای جهان هستی و خاموش شدن نهایی خورشید، الکس گارلند همراه با دنی بویل یک تریلر علمی تخیلی به نام «سان شاین» یا «نور خورشید» (Sunshine) در مورد اثرات روانشناختی سفر در فضا ساخته اند. در سال ۲۰۵۶، زمین با کاهش قدرت نور آفتاب زمین در حال نابودی است. تیمی از ۸ فضانورد در یک ماموریت مرگبار قصد دارند بار دیگر نیروی محرکه خورشید را به کار بیندازند. با نزدیک شدن سفینه آن ها به خورشید، آن ها بقایای سفینه فضایی قبلی که قصد داشتند با استفاده از آن به هدف خود برسند را پیدا می کنند. سازندگان برای ساخت و طراحی این فیلم از ناسا مشورت گرفته و فیزیکدانان شناخته شده ای را به کار گرفتند. این فیلم از لحاظ عاطفی و احساسی بسیار تکان دهنده و یک رولر کواستر با فضا های تنگ و تاریک است که موضوعاتی مانند علم، باور دینی و در نهایت امید را مورد بررسی قرار می دهد.

۱۳. تلقین (۲۰۱۰)

فیلمی جیمز باندی درون یک فیلم سرقت درون یک فیلم از کریستوفر نولان. «تلقین» (Inception) با استفاده از یک سناریو بی نقص و پیاده سازی دقیق دنیای خیالات و رویا ها با ترکیب خلاقیت و شوخی به یکی از جاودانه های تاریخ سینما تبدیل می شود. آزمایشات سینمایی نولان با زمان همیشه جذاب بوده اند، اما «تلقین» همچنان کامل ترین فیلم او در این زمینه است. با هانس زیمر در مقام آهنگساز و بازی های حیرت انگیز از لئوناردو دی کاپریو، تام هاردی، کن واتانابه، ماریون کوتیارد و دیگران، داستان تکان دهنده فیلم تاثیر دو چندانی بر مخاطب داشت.

۱۴. مکس دیوانه: جاده خشم (۲۰۱۵)

فیلم «مکس دیوانه: جاده خشم» (Mad Max: Fury Road) از منابعی مانند اضطراب امروزی، کمبود منابع، تغییرات آب و هوایی و آخرالزمان در معنای کلی آن برای خلق یک تریلر تاریک با جلوه های ویژه خارق العاده و محیط تکان دهنده استفاده می کند. در این دنیای پسا آخرالزمانی، نفت و آب به کالا هایی کمیاب تبدیل شده اند و گروهی از بازماندگان که از رهبری ترسناک فرار کرده اند باید برای زنده ماندن با هم متحد شوند. این فیلم بیشتر از علمی تخیلی بودن یک تریلر اکشن است و یک ترس واقعی و محسوس که از به اتمام رسیدن منابع نشأت می گیرد را برای مخاطب به تصویر می کشد. زیبایی های پادآرمانشهری و بن مایه های فمینیستی فیلم با بازی های قوی بازیگران باعث شد که این فیلم یکی از بهترین فیلم های یک دهه اخیر سینما باشد.

برترین‌ها: رمان کوتاه «داستان زندگی تو» (Story of Your Life) نوشته تد چیانگ الهام بخش این فیلم در مورد زبان و اکتشاف است که در آن بشریت برای درک و ارتباط برقرار کردن با گروهی از موجودات فضایی که تازه به زمین آمده است تلاش می‌کند. در بطن فیلم «ورود» (Arrival) یک زبان‌شناس قرار دارد که تلاش‌های او برای ارتباط برقرار کردن با جماعتی از موجودات فضایی او را با کابوس‌هایی دردناک در مورد دخترش روبرو می‌کند. اگر چه بن مایه این فیلم بارها مورد استفاده فیلم‌سازان قرار گرفته، اما دنیس ویلنوو با قدرت کارگردانی خارق‌العاده‌اش، این داستان کلیشه‌ای را به بحث در مورد ارتباط برقرار کردن، تشویش و عشق می‌کشاند.

منبع: wired